

## برنامه تا آسمان

### اسماء و صفات الهی ۲۲

#### رزاقیت خداوند ۳

آیت الله علی رضایی تهرانی

۱۴۰۱/۱۲/۲۸ مقارن با ۱۴۴۴/۰۸/۲۶ هجری قمری

(مجری)

امیدوارم امروز هم فرصت داشته باشید که با ما همراه باشید در روز یکشنبه، بیست و هشتمین روز از اسفندماه، یکشنبه آخر سال و بیست و ششمین روز از ماه شعبان المعظم که خدمت حجت الاسلام و المسلمین حاج شیخ علی آقای رضایی تهرانی خواهم بود، حاج آقا خدمت شما سلام عرض می‌کنم، عرض خوش آمد و تشکر از حضور شما.

(استاد)

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

من هم عرض سلام و ادب و احترام دارم خدمت حضرت عالی و همه بینندگان ثابت قدم و باوفای این برنامه، من هم امیدوارم ان شاء الله سال پیشین ما با مغفرت توام باشد و سال آینده ما با موفقیت همراه باشد.

(مجری)

ان شاء الله، من همین ابتدای برنامه از شما تشکر می‌کنم به خاطر حضورتان در روزهای یکشنبه در برنامه تا آسمان، وقت گذاشتید، همین جا هم آرزو می‌کنم سال جدید برای شما و خانواده محترمتان سرشار از سلامتی، موفقیت و توفیقات روزافزون باشد و قول هم می‌گیرم که ان شاء الله در سال جدید هم ما بتوانیم یکشنبه‌ها خدمت شما باشیم. بحث ما خدمت حاج آقای رضایی تهرانی چند هفته‌ای هست که روزهای یکشنبه در مورد صفات الهی، در مورد رزاقیت حضرت حق حاج آقا برایمان صحبت می‌کنند. بحث از رزق و روزی هست و سوالات زیادی که در این مسئله در ذهن مخاطبین است، سوالاتی که به دست ما می‌رسد، حاج آقا پاسخ می‌فرمایند و نکاتی هم اضافه می‌کنند و بحث را امروز هم ادامه می‌دهیم که دعوت می‌کنم همراه ما باشید. حاج آقا در هفته گذشته سوالاتی که مطرح کردم، رسیدم به این سوال که آیا همه روزی‌هایی که از خداوند هست و روزی‌های الهی هستند، ارزشمند هستند؟

(استاد)

بله، ببینید، آنچه که ما اسم روزی بر آن می‌نهیم، مخلوقی از مخلوقات خدای متعال است. در قرآن کریم فرمود که خدای متعال خود زیبا است و خلقت او و آفرینش او هم زیبا است.

در آیه‌ای فرمود: «اللَّهُ خَالِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ»<sup>۱</sup>، خدا آفریننده همه چیز است و بعد فرمود: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ»<sup>۲</sup>، هر چه آفریده نیکو و زیبا آفریده است. بنابراین ما روزی‌ها را از آن حیث که استناد به پروردگار دارد و از ناحیه پروردگار به سوی خلق می‌ریزد، همه را زیبا باید ببینیم، نیکو باید ببینیم، با حسن و جلوه نیکو او را ببینیم اما ما همانگونه که شر مطلق نداریم، یک روزی‌ای که به طور مطلق شر و بد باشد نداریم ولی در مقایسه، آن هم به اعتبار ما، نه به اعتبار او، بخشی از روزی‌ها ارزشمندتر هستند، بخشی از روزی‌ها ارزشمندند و بخشی از روزی‌ها به گونه‌ای است با اینکه روزی است، ما باید از او به خدای متعال پناه ببریم. مثلاً روزی فراوان ملهی، یعنی روزی‌ای که زیاد است، در حدی زیاد می‌شود با اینکه به ظاهر نعمت است، در واقع نعمت است، یعنی برای من مایه امتحان می‌شود، آن هم امتحانی که من در آن امتحان سربلند بیرون نمی‌آیم. من باید نسبت به این روزی ملهی که به تعبیر قرآن کریم تکاثر ایجاد می‌کند به خدا پناه ببرم یا مثلاً دانش روزی است اما این دانش اگر دانش غیرنافع باشد، با اینکه از ناحیه خدا است، هر چیزی از ناحیه خدا است ولی من باید به خدای متعال عرضه بدارم: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنْ عِلْمٍ لَا يَنْفَعُ»<sup>۳</sup>، خدایا من از دانشی که نفع ندارد، به سوی تو پناه می‌برم. مال می‌تواند فتنه باشد، فرزند

می‌تواند فتنه باشد، «أَمَّا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ ۚ».

خب مال و فرزند روزی است و در ارتباط با خدا نیکو است، هر چه او آفریده است زیبا است اما در مقایسه‌ای که از ناحیه من انجام می‌شود، به خاطر بد عمل کردن من، به خاطر کوتاهی دید من، ممکن است برخی از روزی‌ها یا اینکه روزی خدا هستند، برای من مفید نباشد.  
پس این سوال دو جواب پیدا می‌کند، آیا همه روزی‌های الهی ارزشمندند؟

جواب:

اگر در استناد به پروردگار سنجیده بشود، همه ارزشمندند، اگر در استناد به ما و با مقایسه برخی از روزی‌ها با برخی در نظر گرفته بشود، در بستگی با نحوه و نوع تعاملی که آن روزی با من دارد و من با او دارم، ممکن است برخی از روزی‌ها ارزشمند نباشند.

(مجری)

درست است، خیلی متشکرم، یک سوال دیگر هم بپرسم. آیا فقر یک جامعه مربوط به صفت رزاقیت خدا است یا عملکرد بد آدمیان هم در آن نقشی دارد؟

(استاد)

هر دو در او نقش دارد یعنی هم خدای متعال می‌فرماید: «وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْسُطُ ۗ»، یا «اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ ۗ»، خدا است که تنگ می‌گیرد یا گشاده‌دستی می‌کند، خدای متعال است که به بعضی کم می‌دهد و به بعضی زیاد، به جامعه‌ای کم می‌دهد و به جامعه‌ای زیاد می‌دهد اما در این کم و زیاد دادن به فرد یا جامعه، یکی از عواملش می‌تواند عملکرد آن جامعه باشد. مثال، فرمود: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۗ»، تقوا پیشه کنید، اگر تقوا پیشه کنید، خدای متعال آسمان را بر شما می‌باراند، «يُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا ۗ». در مورد استغفار داریم که اگر جامعه‌ای اهل استغفار باشد، خدای متعال بر او می‌باراند.

وقتی کرونا شدت گرفت، مقام معظم رهبری دستور دادند، ملت ایران دعای هفتم صحیفه سجادیه را بخوانند، «يَا مَنْ حُلُّهُ بِهِ عُقْدُ الْمَكَارِهِ ۗ»، یعنی چه؟

یعنی وقتی جامعه‌ای تضرع کرد، اثر رحمت الهی دیده می‌شود. قوم یونس (علیه السلام) عذاب بر ایشان مسجل بود، مسلم بود، در لوح محو و اثبات اما وقتی آن پیرمرد آن‌ها را نصیحت کرد، بین مادران و کودکان شیرخوار جدایی افکندند، حیوانات را از هم جدا کردند و سه شبانه‌روز زار زدند و گریستند، رحمت الهی (شاملشان شد)، عذاب به کوه خورد اما به مردم نخورد.

پس استغفارهای دسته‌جمعی، تقوای دسته‌جمعی می‌تواند نقش داشته باشد، چه اینکه اصل اینکه روزی برای عده‌ای گسترده است، برای عده‌ای گسترده نیست، می‌تواند فلسفه‌های متعددی داشته باشد. به تعبیر امیرالمومنین (علیه السلام) در آن جمله مشهور فرمود: «خدای متعال یکی از عللی که این کار را می‌کند، این است که دو صفت را در انسان‌ها بیازماید، صفت شکر و صفت صبر». ببیند این انسانی که به او بسطیت داده، میلیاردر شده، تریلیاردر شده، شکور هست یا شکور نیست که گفتیم شکر در اینگونه موارد یعنی هر نعمتی را در مسیر صحیحش خرج کردن.

این انسانی که خدای متعال به خاطر مصالحی بر او تنگ گرفته صبور هست یا صبور نیست.  
این روایت از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) مشهور است، فرمود که از خدای متعال خواستم که یک روز سیر باشم تا تو را شکر کنم، یک روز گرسنه باشم تا به این نعمت تو که نعمت گرسنگی است، صبر کنم.

پس عوامل و علل مختلفی در این گشاده‌دستی خدا یا تنگ گرفتن خدا هست اما یکی از این عوامل و علل که مهم است، عملکرد خود انسان‌ها است. اینکه مثلاً مریضی نعمتی است، فرمود: «كَمَا جَدَّدَ النَّاسُ الذُّنُوبَ وَالْآثَامَ ۗ»، هرچه مردم گناهان را تجدید کنند، خدای متعال بلاهای جدید بر آن‌ها نازل می‌کند. ما چندی قبل ایدز نداشتیم اما مریضی ایدز را بشر تجربه کرد. وقتی همجنسبازی اینطور رسمی می‌شود، ایدز هم در کنارش پیدا می‌شود.  
پس درست، هر دو نقش دارد؛ هم اراده الهی و هم عملکرد امت‌ها و انسان‌ها.

(مجری)

درست است، خیلی متشکرم، یک بخشی را با هم ببینیم و برگردیم و ادامه صحبت‌های حاج آقا را بشنویم. چند

تا صلوات بفرستیم، این روزهای پایانی سال، یک یادی کنیم از همه گذشتگان، همه آن‌هایی که سال‌های گذشته در چنین روزهایی در کنار ما بودند اما الآن باید سر مزارشان حاضر شویم و برایشان از خداوند طلب رحمت و مغفرت کنیم.

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَعَجِّلْ فَرَجَهُمْ».

بحث ما رزق و روزی است و حاج آقا در مورد صفت رزاقیت خداوند برایمان صحبت می‌کنند. حاج آقا این سوال هم در بین سوالات هست که برای انسان کدام یک از این سه بهتر است. حالا این سوال هم در ذهن بینندگان خیلی زیاد است، ثروت، روزی کافی یا فقر و چرا؟

(استاد)

درست است، ببینید، گفت:

یکی وصل و یکی هجران پسندد

یکی درد و یکی درمان پسندد

پسندم آنچه را جانان پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

جواب اصلی این است که انسان متوکل، انسان مومن، خودش را در اختیار خدا قرار می‌دهد، می‌گوید که خدایا من را ادب کن ولی «الهی لا تُؤدِّبْنی بِعُقُوبَتِکَ»<sup>۱۱</sup>، ادب کردن الهی با ابزار و وسایل مختلف است. گاهی وقت‌ها این ادب کردن به این است که به من ثروتی عنایت کند، گاهی وقت‌ها به این است که این ثروت را از من بگیرد، گاهی وقت‌ها به این است که به من روزی در حدی بدهد که من گدای دست دیگران نباشم. در روایات آمده است: «خَیْرُ الرِّزْقِ مَا یَکْفِی».

روایتش را اگر بخوانیم، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «طُوبَى لِمَنْ أَسْلَمَ وَكَانَ عَیْشُهُ كَهَافًا»<sup>۱۲</sup>، خوشا بحال مسلمانی که روزی‌اش به اندازه مخارجش باشد. باز پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود: «اللَّهُمَّ ارْزُقْ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَمَنْ أَحَبَّ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ، الْعَفَافَ وَالْكَفَافَ»<sup>۱۳</sup>، خدایا به پیغمبر و آل پیغمبر (صلی الله علیه و آله) و دوستانشان عفت بده و روزی به اندازه کفاف بده. بعد فرمود: «وَارْزُقْ مَنْ أَبْغَضَ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ الْمَالَ وَالْوَالِدَ»، به دشمنان پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اموال و گشایش بده. ما مقدار روزیمان، مقداری باشد که خدای نکرده به خاطر ثروت طغیان نکنیم. باز از پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمده است که «يَا أَبَا ذَرَّارَةَ قَدْ دَعَوْتُ اللَّهَ جَلَّ تَنَاوُهُ أَنْ يَجْعَلَ رِزْقَ مَنْ يُحِبُّنِي كَهَافًا»<sup>۱۴</sup>، من پیغمبر از خدا خواسته‌ام هر کس من را دوست دارد، روزی‌اش به اندازه باشد. روایات در این زمینه زیاد است. پس اصل اولیه این است، من بگویم خدایا

پسندم آنچه را جانان پسندد

من از درمان و درد و وصل و هجران

این اصل است و بگویم با هر چه داری من را ادب می‌کنی، سعه و ظرفیتش را هم به من بده. اگر روزی می‌دهی، شکرش را بده. اگر فقر می‌دهی، صبرش را بده. اگر کفاف می‌دهی، قناعتش را بده. پس در حقیقت اصل اولیه این است ولی اگر بخواهیم از این سه براساس متن روایات نتیجه‌ای بگیریم، بهترین روزی، روزی‌ای است که به اندازه باشد، یعنی نه انسان گیرنده باشد که دستش پیش کسی دراز باشد، نه خدای نکرده در حدی مال و منال پیدا کند که قارون صفت بشود و بگوید که من این را خودم بدست آوردم و لذا است که در اصحاب پیغمبر (صلی الله علیه و آله) داشتیم که پیش رسول گرامی اسلام آمده، گفته یا رسول الله فقر من را اذیت می‌کند. پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمودند که بساز، به همین مقدار کفاف اکتفا کن، او اصرار کرده، با اصرار پیغمبر (صلی الله علیه و آله) دو درهم به او داده، این دودرهم برکت کرده، برکت کرده، از دامداران مدینه شده است و دیگر پشت سر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) برای نماز دیده نمی‌شد. فقط جمعه‌ها می‌آمد، بعد از مدتی جمعه‌ها هم نیامد، درست؟

این بود که پیش پیغمبر (صلی الله علیه و آله) آمد و گفت که احساس می‌کنم عقب‌گرد دارم.

(مجری)

باز هم خوب است که فهمیده است.

(استاد)

فهمید، انسان اهل محاسبه می‌فهمد، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) گفت که دو درهم ما را بده.

(مجری)

قرض گرفتی، برگردان.

(استاد)

قرض گرفتی، بده. دو درهم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) را داد، زندگی شروع به افول کردن کرد، در حد کفاف ایستاد. من زیاد دیدم آقای قاسمیان کسانی را که دری به تخته خورده، حالا مثلاً پایین شهر می‌نشسته، رفته بالای شهر. حالا مثلاً می‌گویم، ماشینش پراید بوده، پورشه شده است، اسم بچه‌هایش را عوض کرده، اسم دخترهایش را عوض کرده است. اول چیزی که به ذهنش رسیده، این بوده است که برویم آمریکا زندگی کنیم، برویم اروپا زندگی کنیم.

یعنی کنار مرقد علی بن موسی الرضا (علیه السلام)، بهشت روی کره زمین را که «بَيْنَ الْجَبَلَيْنِ»، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) فرمود که بهشت روی کره زمین است، این را رها کنیم، برویم در کشوری که ۵۲ تا ایالت دارد، یک امامزاده ندارد، درست؟  
خب، چرا حالا (به این مسئله منجر می‌شود)؟

چون این طغیان آمده است که «كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنَّاظِرٌ»، پس اهل بیت (علیهم السلام) فرمودند که اولاً به خدا بسپارید ولی اگر هم خواستید تعیین کنید، بگویید خدایا «اللَّهُمَّ صُنِّ وَجْهِي بِالْيَسَارِ وَلَا تَبْدُلْ جَاهِي بِالْإِقْتَارِ»<sup>۱۶</sup>، خدایا من دست‌تنگ نباشم که بخوادم گدایی کنم، در حدی هم نباشد که ثروت بخواهد ملهی من باشد، بشود «أَلْهَاكُمْ الشَّاكِرُ»، تا کجا؟  
«حَتَّى زُرُّمُ الْمَقَابِرَ».

(مجری)

در همین برنامه از زبان و بیان شما شنیدم که فرمودید مولا علی (علیه السلام) فرمودند که اگر کسی به اندازه روزی ظهر و شب خودش داشته باشد، ناشکری است، اگر بگوید من دستم خالی است.

(استاد)

یقیناً اینطور است، فرمود که اگر کسی دوسه چیز را خدا به او داده باشد و فکر کند کسی برتر از او چیزی دارد و خدا کسی را بیشتر از او دوست دارد، کفر ورزیده است.

۱. امنیت، الآن در کشور ما چه امنیتی حاکم است، دخترخانم هجده‌ساله‌ای بلند شود از وکیل آباد پیاده حرم امام رضا (علیه السلام) برود، آب در دلش تکان نمی‌خورد.

۲. دوم فرمود که سلامتی است.

۳. سوم، فرمود «قوتُ یومه»، امروزت را داشته باش که چقدر ما روایات داریم در مورد رزق که اگر کسی قوت امروزش را دارد، نباید هم و غم فردایش را بر امروزش بار کند، چرا؟  
چون به تعبیر روایات، «كُلَّ عَدِيَّاتِي بِرِزْقِهِ»<sup>۱۷</sup>، روز از نو، روزی از نو.

(مجری)

خیلی متشکرم، این سوال را این‌جا بپرسم، حاج آقا سیر روزی طلبی مومن از دیدگاه دین چگونه است؟

(استاد)

درست است، ببینید، یکی از کارهایی که بالاخره انسان باید در مورد او برنامه داشته باشد و حساب و کتاب داشته باشد، روزی طلبی است. روزی چیزی نیست که در مورد او بی‌خیال باشیم و نبوده‌ایم و نخواهیم بود. از دیدگاه دین سیر روزی طلبی این است:

۱. انسان مومن اهل طلب و تلاش برای روزی است. روایات فراوانی دارد که انسان مومن باید اهل طلب باشد،

باید اهل کار باشد، مکرر در این برنامه عرض کردیم، اگر پیغمبر (صلی الله علیه و آله) جوانی را می‌دید خوش بر و رو، از اسم و فامیلش و نسب و عشیره و قبیله‌اش می‌پرسید. بعد سوال می‌کرد حرفه تو و کار تو چیست؟

اگر می‌گفت که یا رسول الله «أنا عاقل»، من بیکار هستم، «سَقَطَ مِنْ عَيْنِ رَسُولِ اللَّهِ»، پیغمبر (صلی الله علیه و آله) بی‌خداحافظی از او رد می‌شد، از چشم پیغمبر (صلی الله علیه و آله) می‌افتاد. ما تا هستیم باید بجوشیم، بخروشیم، کار کنیم. پس انسان اهل طلب و تلاش برای روزی است.

(مجری)

اما به قاعده دیگر (اهل تلاش برای روزی است).

(استاد)

عرض می‌کنم.

۲. می‌داند اگر برای روزی تلاش نکند، دعایش مستجاب نمی‌شود. چند گروه هستند، دعایشان مستجاب نمی‌شود، یکی از گروه‌هایی که دعایش مستجاب نمی‌شود، کسی است که بنشیند و بگوید خدایا بده. این فرد دعایش مستجاب نمی‌شود. خدای متعال می‌گوید که من به عالم و آدم دادم و می‌دهم، اما توی انسان، از تو حرکت، از من برکت. پس این هم نکته دوم (که عرض شد).

۳. نکته سوم، داریم سیر روزی طلبی مومن را عرض می‌کنیم. مومن چون می‌داند روزی‌اش مقدر است، حرص نمی‌زند. باورتنان نمی‌شود، شصت‌هفتاد درصد مریضی‌هایی که ما الآن داریم، مربوط به مسائل روحی و روانی است و شاید شصت‌هفتاد درصد یا هشتاد درصدش مربوط به غم‌وغصه‌های ما برای روزی است. گفت که انسان مومن برای روزی‌اش حریص نیست، حرص نمی‌زند.

۴. چهارم، نه تنها حرص نمی‌زند، بلکه در طلب، اجمال دارد. معنی إجمال فی الطلب یعنی چه؟

یعنی اینکه اوقاتش را تقسیم می‌کند، یک بخشی‌اش را برای روزی می‌گذارد و در آن بخش دنبال روزی می‌رود اما این بخش، سایر بخش‌هایش را تحت تأثیر قرار نمی‌دهد. یعنی در حقیقت به اندازه‌ای که رفع تکلیف و رفع وظیفه بشود اقدام می‌کند. به تو گفتند مغازه‌داری، اول صبح بیا، صبح زود هم بیا نه تا ده صبح بخوابی، کرکره مغازه را بالا بکش، بگو: «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، چشمت هم به دست خدا باشد. این را إجمال فی الطلب می‌گوییم.

مسلم بن عقیل (علیه السلام) وقتی شهید شد و خبر به امام حسین (علیه السلام) رسید، امام حسین (علیه السلام) اشعاری را انشاء فرمودند، یک بیتش این است:

وَإِنْ يَكُنِ الْأَرْزَاقُ قِسْمًا مُقَدَّرًا      فَقَلْبُهُ سَعَى الْمَرْءِ فِي الْكَسْبِ أَجْمَلُ

اگر قرار است ارزاق مقدر باشد، حرص نزدن، اجمال در طلب که خیلی بهتر است تا من بخواهم خودم را اذیت کنم، آزار بدهم، با اینکه امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود که خودت را هم بکشی، بیش از آن مقداری که مقدر است، نصیب تو نمی‌شود.

۵. پنجم، چون این چنین است، چشم مومن به دست خدا است، حرام نمی‌خورد، می‌داند حرام نباید بخورد. امیرالمومنین (علیه السلام) فرمود که عجیب است، کسی صبر نمی‌کند، روزی‌ای که می‌خواسته از حلال به دست او برسد، می‌رود دنبال اینکه از حرام به دست او برسد.

حضرت می‌خواستند وارد مسجد بشوند، خیلی بانمک، سوار بغله‌ای بودند، سوار به اصطلاح قاطری بودند، یک کسی آن‌جا بود، حضرت افسار قاطر را دستش دادند، گفتند که بگیر تا من برگردم، نماز بخوانم و بیایم. آن هم گرفت، شیطان وسوسه‌اش کرد، این افسار قاطر را برداشت، دزدید، رفت و فروخت. درست شد؟

حضرت وقتی داشتند از مسجد می‌آمدند بیرون، دو درهم در جیبشان آماده کرده بودند به عنوان کمک به این فرد بدهند. دستمزد او که حالا زحمتی کشیده است. او افسار را چقدر فروخت؟

دو درهم، حضرت به غلامشان فرمودند، به کسی فرمودند که برو برای ما یک دانه افسار بخر، دید همان افسار که تازه فروخته شده، هست، دو درهم حضرت را داد، افسار را گرفت. حضرت فرمودند که ببینید، صبر نکرد، چیزی که می‌خواست از راه حلال به دست او برسد، از راه حرام به دستش رسید. چقدر روایت داریم که اگر آنچه را که وظیفه مالی شما است در حلال خرج نکنی، مجبور می‌شوی در حرام خرج کنی. خمس نمی‌دهد، یک عمل جراحی به او می‌خورد سی میلیون تومان، زکات نمی‌دهد، یک عمل جراحی به او می‌خورد صد میلیون تومان، این خیال می‌کند دارد زرنگی می‌کند، از دایره حکومت خدا بیرون نیست.

۶. ششم، نه تنها حرام نمی‌خورد، مشتبه هم نمی‌خورد. ببینید کسانی که در گوانتانامو، کسانی که در ابوغریب به جان مسلمانان سگ انداختند، ما تحقیق کردیم، هشتادونود درصد این‌ها بچه مراکزی هستند که آن‌جا بچه‌های زنازاده را پرورش دادند. یعنی این دست تربیت بر سرش نبوده است، پدر و مادر شبهه خورده، زنا کرده، این ثمره‌اش شده است. اینگونه نیست که من حرام خوردم، مشتبه خوردم، فقط خودم ضرر می‌کنم، در نسل و ذریه من هم (تأثیر پیدا می‌کند).

(مجری)

اجازه می‌دهید یک بخشی را ببینیم و برگردیم، برنامه طولانی شد. یک بخشی را ببینیم، فرازهایی از خطبه‌های مولا علی (علیه السلام) در نهج‌البلاغه را مرور کنیم، برمی‌گردیم.

(تیزر)

خطبه ۱۶۰

هر امیدواری جز امید به خدای تعالی ناخالص است و هر ترسی جز ترس از خدا نادرست است. گروهی در کارهای بزرگ به خدا امید بسته و در کارهای کوچک به بندگان خدا روی می‌آورند. پس حق بنده را ادا می‌کنند و حق خدا را بر زمین می‌گذارند. چرا در حق خدای متعال کوتاهی می‌شود و کمتر از حق بندگان رعایت می‌گردد؟ آیا می‌ترسی در امیدی که به خدا داری دروغگو باشی یا او را در خور امید بستن نمی‌پنداری؟ امیدوار دروغین اگر از بنده خدا ترسناک باشد، حق او را چنان رعایت کند که حق پروردگار خود را آنگونه رعایت نمی‌کند. پس ترس خود را از بندگان آماده و ترس از خداوند را وعده‌ای انجام‌نشده می‌شمارد و اینگونه است کسی که دنیا در دیده‌اش بزرگ جلوه کند و ارزش و اعتبار دنیا در دلش فراوان گردد که دنیا را بر خدا مقدم شمارد و جز دنیا به چیز دیگری نپردازد و بنده دنیا گردد.

(پایان تیزر)

(مجری)

حاج آقا در مورد سیر روزی طلبی مومن از دیدگاه دین صحبت می‌کنند، شش مورد را فرمودند، مورد هفتم را می‌فرمایند، ضمن اینکه سوالات شما به دستم رسیده، حتماً آن‌ها را مطرح می‌کنم، سوالات بسیار خوبی است، پاسخش را ان‌شاءالله دریافت خواهیم کرد.

(استاد)

۱. پس یک، انسان اهل طلب (باشد) و تلاش انسان مومن (برای کسب روزی).

۲. می‌داند اگر تلاش نکند، دعایش مستجاب نمی‌شود.

۳. چون این را می‌داند و می‌داند که روزی مقدر است، حرص نمی‌زند.

۴. نه تنها حرص نمی‌زند، در طلب اجمال دارد.

۵. لذا حرام نمی‌خورد.

۶. لذا مشتبه نمی‌خورد.

۷. هفتم، نه تنها حرام نمی‌خورد، مشتبه نمی‌خورد، در حلال هم گشاده‌دستی و اتراف و اسراف ندارد. قرآن کریم می‌گوید که اصلاً در جوامع، مترفین گند می‌زنند. مترفین همان وال‌استریت، یک‌درصدی‌ها، چهاردرصدی‌ها، همان‌هایی که پولشان از پارو بالا می‌رود، نمی‌داند چه کار کند، سراغ عتیقه‌جات می‌رود، یک عتیقه می‌خرد ده میلیارد، نمی‌فهمد هر روز دکور خانه را چطور عوض کند، نه، انسان مومن نه تنها اهل حرام و مشتبه نیست، در حلال هم گشاده‌دستی نمی‌کند.

۸. هشتم، حقوق واجب مالی اش را می‌پردازد، در حقوق واجب مالش اقتار، بخل نمی‌ورزد.

۹. نهم، حقوق مستحبیه مالش را می‌پردازد. من دیدم، بعضی‌ها به مادرشان می‌خواهند کمک کنند، کَأَنَّ بَا مَن ت كَمَك مِی كِنَنَد. طرف می‌گفت به مادرم نمی‌دهم، گفتم که چرا؟

گفت که من می‌دهم، بعد خواهر و برادرها می‌روند آن‌جا و می‌خورند.

گفتم به تو چه ربطی دارد، مادر تو، مادر بزرگ شده، نوه دارد، نتیجه دارد، این‌ها هم می‌آیند، عزتش به این است که بیایند و بخورند. حالا تو کیسه برنج نمی‌دهی که مبادا برادرت نیاید آن‌جا بخورد، نه (انسان مومن این طور نیست). در مورد مستحبات، حالا در مورد مادر که واجب است.

۱۰. دهم، نه تنها حقوق واجب و مستحب را می‌دهد، اهل جود و بخشش است. در همین صلوات شعبانیه که هر روز ظهر ما می‌خوانیم، به خدای متعال می‌گوییم: «وَأَعْمُرْ قَلْبِي بِطَاعَتِكَ ۱۸»، دل من را با طاعتت عمران کن، آباد کن. بعد می‌گوییم: «ارزُقْنِي مَوَاسَاةً مِّن قَتْرَتِ عَلَيْهِ مِنْ رِزْقِكَ بِمَا وَسَّعْتَ عَلَيَّ مِنْ فَضْلِكَ».

خدایا به من بده ببخشم. یک روایتی از امیرالمومنین (علیه السلام) است، خیلی شیرین است. حضرت می‌فرمایند: «جُنُونٌ لَا أَخْلَافِي اللَّهُ مِنْهُمَا الشُّجَاعَةُ وَالْكَرَمُ ۱۹». دو چیز است، در عرف مردم گاهی دیوانگی

به حساب می‌آید، خدا من را از این دو هیچگاه خالی ندارد، «الشُّجَاعَةُ وَالْكَرَمُ»، یکی شجاعت، در راه خدا به دل لشکر بزنی ولو بدنت پاره‌پاره بشود. دوم، کرم و جود است، با کد یمین و عرق جبین امیرالمومنین (علیه السلام) هزار بنده آزاد کرده است، امام صادق (علیه السلام) فرمود. هزار بنده با کد یمین و عرق جبین (آزاد کرد). نماز صبحش را می‌خواند، بعد از نماز تا طلوع آفتاب (موقع) ذکر بود، کسی مزاحم حضرت نمی‌شد. طلوع آفتاب که تمام می‌شد، به قضاوت می‌نشستند، یک ساعت، دو ساعت قضاوت (می‌کردند)، رفع امور مسلمین، ساعت ۹ و ۱۰ که می‌شد حضرت در حائطشان بودند، بیل می‌زدند، کلنگ می‌زدند، بعد قنات ایجاد می‌کردند، چاه می‌کنند و بعد هم وقف مسلمانان می‌کردند.

۱۱. یازدهم، دائماً برای روزی حلال، به مقدار کفاف، آن هم طیب و طاهر و واسع دعا می‌کند. فرمود که انسان مومن هیچ موقع از دعا برای روزی به قدر کفاف خالی نیست. این سیر روزی طلبی مومن می‌شود.

(مجری)

درست است، چند تا سوال از بیننده رسیده، اجازه بدهید آن‌ها را همین جا مطرح کنم. گفتند که رزاقیت خداوند نسبت به امت‌ها و جامعه‌ها متفاوت است یا همیشه از یک روشی بهره می‌گیرد؟

(استاد)

از یک روش بهره می‌گیرد ولی این روش، روش تفاوت است و تفاوت تبعیض نیست. گفتیم یک جامعه‌ای که شکور است و ودود است و با هم رحیم است و با هم مهربان است و مردم نسبت به هم خوش نیت هستند، یک جور روزی می‌خورند، یک جامعه‌ای که چنین نیستند، این جور روزی نمی‌خورند. یک جامعه‌ای که به قول پیغمبر (صلی الله علیه و آله) اهل نظافت هستند، یک جور خدا به آن‌ها نگاه می‌کند، یک جامعه‌ای که اهل کثافت هستند، جور دیگری خدا به آن‌ها نگاه می‌کند، جامعه‌ای که اهل اسراف هستند یا اهل اسراف نیستند. این تفاوت سنت است، «وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا».

پس از یک رویه برخوردار است ولی آن رویه، تفاوتش به خاطر علت‌های تفاوت است.

(مجری)

اسباب گشایش یا تنگی روزی در تأثیرگذاری در یک رتبه هستند یا متفاوتند، یا اینکه مثلاً خاتم عقیق به دست داشتن، سبب فراوانی رزق است، این به چه معنا است، آیا یک سنگ واقعاً خاصیت اینچنینی دارد؟ (استاد)

درست است، ببینید، بله اسباب روزی که ما به آن هم به صورت کلی و هم به صورت مصداقی و جزئی به آن ان‌شاءالله خواهیم پرداخت، در یک رتبه نیستند. برای یک عمل، حالا دعا است، نماز است، در مورد رزق و روزی معجزه می‌کند، گاه در آن حد نیست که ما حالا به این رتبه‌بندی هم ان‌شاءالله خواهیم پرداخت و اما اینکه خاتم عقیق آیا تأثیرگذاری دارد و چطور می‌شود که یک سنگ عقیق در روزی انسان نقش داشته باشد، ببینید یک تعبیری

این سینا دارد خیلی شیرین است، ابن سینا می گوید: «الْعَالَمُ جَمَعَ الْأَسْرَارَ»، عالم پر از سر است. چه کسی باورش می شد سیصد سال قبل که یک کیلو اورانیوم غنی شده، یک سال برق بشر را تأمین کند. یک سنگ است دیگر، با یک فرآوری یک سال برق بشر را تأمین می کند، «الْعَالَمُ جَمَعَ الْأَسْرَارَ»، حالا بخشی از اسرار مادی است، یخشی از اسرار معنوی است. این عقیق اولین سنگی است که به ولایت امیرالمومنین (علیه السلام) ایمان آورده است، مخصوصاً عقیق یمن، این ایمان آوردن و سبقت در ایمان که ما خیلی هم نمی فهمیم، باعث شده شرافتمند شده است. نماز با او، هر یک رکعت، هفتصد رکعت است، چرا من از دست بدهم، مگر چقدر قیمت دارد؟ روزی من را زیاد می کند. خدا فرمود که من خجالت می کشم دستی به سمت من بلند شود و در او انگشتر عقیق یا فیروزه باشد و من دعای آن دست را مستجاب نکنم.

پس ما نباید احساس کنیم هر چیزی را در اتاق آزمایشگاه می فهمیم، نه، آن ژاپنی اثبات کرد که من به این آب «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»، بگویم، این مولکول هایش (در آن تغییر ایجاد می شود)، با اینکه قبلاً دانسته نمی شد. اینکه عقیق، فیروزه، اینکه خاتم بدست داشتن در امور بسیاری تأثیر دارد، این از نظر دین ما مسلم است، پس هیچ استبعادی در این زمینه قابل قبول نیست.

(مجری)

اجازه بدهید یک بخشی را ببینیم و برگردیم، ببینم چقدر فرصت دارم، سوالات شما را مطرح کنم.

(تیزر)

خدایا اگر بنده ای از بندگانت از من آسیبی دیده یا از جانب من به او آزاری رسیده یا من به دست خود یا به وسیله کسی بر او ستمی کردم و حقش را تباه ساخته و مانع دادخواهی اش شدم، بر محمد و خاندانش (علیهم السلام) درود بفرست و با توانگری خود رضایت او را از من فراهم بساز و حقش را تمام و کمال ادا بفرما. سپس من را بری گردان از آنچه حکم تو بر من لازم کند و رهایی بخش از آنچه عدل تو فرمان دهد، زیرا نیروی من تاب انتقام تو را ندارد و توان من با خشم تو برابری نتواند که اگر طبق حق و برابر آنچه کرده ام من را پاداش بدهی، هلاکم کرده ای و اگر من را با رحمت خود نپوشانی به نابودی ام افکندی.

فرازی از مناجات امام سجاد (علیه السلام)

(پایان تیزر)

(مجری)

شش دقیق فرصت دارم که این جلسه خدمت حاج آقا باشم، یکشنبه آخر سال ولی قول گرفتم که هفته آینده در ماه مبارک رمضان و یکشنبه اول سال جدید و اول ماه مبارک رمضان، حاج آقا ان شاء الله ادامه بحث را برایمان داشته باشند. حاج آقا گفتند که چه باید کرد که در هنگام فراوان شدن روزی احساس استغنا و طغیان به ما دست ندهد؟

(استاد)

بله، دوسه تا مطلب را رعایت کنیم، این احساس به ما دست نمی دهد. مطلب اول این است که ما خودمان را همیشه در طول زندگی عبد ببینیم. یک تعبیری امام سجاد (علیه السلام) راجع به خودش در مقابل خدا دارد، به

خدا می گوید که خدایا «مَا أَنَا يَا رَبِّ وَمَا خَطَرِي ۲۰»، من که هستم، من مگر چقدر ارزش دارم؟

در سجده می فرمود که «مِثْقَالُ ذَرَّةٍ أَوْ دُونَهَا»، به اندازه یک خردلی در این دستگاه نظام هستی که یک سیاره تو یک میلیون خورشید در آن جا می شود، این یک مخلوق تو است. حالا، من آدمیزادی که «أَوَّلُهُ نُطْفَةٌ مَمْدْرَةٌ، وَآخِرُهُ جِيفَةٌ قَدْرَةٌ ۲۱»، اینکه انسان خودش را عبد ببیند، خودش را خاکسار بداند، این مورد اول. دو، خودش را مالک نبیند، مال الهی امروز دست من است، فردا دست دیگری است، دیروز هم دست دیگری بوده است. این زمین هایی که ما در آن می نشینیم، این خانه هایی که ما در آن می نشینیم، قبلاً کسان دیگری می نشستند، بعد از ما هم کسان دیگری می نشینند، این مورد دوم.

سوم، بداند که اگر به طغیان دچار بشود، پا در کفش خدا کرده است و این بد است، چرا؟

چون فرمود که همه صفات من قابل تخلق است جز تکبر، طغیان و تکبر و کبرورزی با خدا جنگیدن است، این



نکات را که بداند، اگر ثروتش، ثروت جناب سلیمان هم باشد، سلیمان با زنجیربافی روزی می خورد، باز هم طغیان نمی کند.

(مجری)

آیا رزق «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»، مخصوص نعمت های مادی است و یا عمومیت دارد؟

(استاد)

یقیناً عمومیت دارد، مرحوم علامه طهرانی (اعلی الله مقامه) فرمودند که ما اگر دستمان به علامه طباطبایی نمی رسید «خَيْرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ»، بودیم. یک شخصیت عارف فقیه فیلسوف اصولی مفسر شاگرد آقای قاضی نجف دیده، خب یک همچنین شخصیتی وردست انسان بیفتد. مثلاً مرحوم امام که نعمت و روزی شد برای ملت ایران و همین را افغانستان نداشت، فلسطین نداشت، این روزی نیست؟ پس روزی فقط روزی مادی خوراکی نیست، گاهی دو جمله از دهان کسی درمی آید و من یک عمر سیره زندگی ام تبیین می شود. این برنامه تا آسمان چند سال است دارد ادامه پیدا می کند؟ این رزق و روزی نیست که انسان در خانه بنشیند و یک روز مسئله یاد بگیرد، یک روز اعتقادات یاد بگیرد، یک روز اخلاقیات یاد بگیرد. نخیر، روزی «مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ»، اختصاص به روزی مادی ندارد بلکه گاه در روزی غیرمادی به مراتب بیشتر است، گرچه ممکن است انسان نسبت به آن ها آرزوی و حساسیت نداشته باشد و خوب نفهمد.

(مجری)

درست است، آیا خوب است که با نگاه کسب رزق معنوی نماز شب بخوانیم؟

(استاد)

اصولاً نماز شب هفتاد تا خاصیت دارد که یکی از خواص مهمش همان رزق معنوی است. مرحوم آقای قاضی در نامه ای نوشتند که «عَبَّأَمِّنْ يَوْمَ مَرْتَبَةٍ مِنَ الْكَمَالِ وَهَوَ لَا يَقُومُ اللَّيَالِ»، تعجب است کسی بخواهد به یک مرتبه در سلوک برسد و حال اینکه اهل سحرخیزی نباشد. از معصوم (علیه السلام) می پرسند چرا کسانی که اهل نماز شبند، خوش صورت و خوش سیما هستند؟ شما چهره ابومهدی المهندس را ببینید، فرمودند که به خاطر اینکه با خدا خلوت می کنند، خدا حوله ای از نور بر رویشان می اندازد، این ها نورانی می شوند. یقیناً اثر اول نماز شب، کسب معنویت است ولی ما توصیه مان این است که می گوئیم دست و پای خدا را در پوست گردو نیندازید. خدا به موسی (علیه السلام) فرمود که نمک غذایت را هم از من بخواه، بگو خدایا همه آثار نماز شب را به من بده که یکی اش رزق معنوی است.

(مجری)

بله، من دو دقیقه فرصت دارم. آیا همه ثروت ها ناشی از محبوب خدا بودن و همه فقرها ناشی از مغضوب خدا بودن است؟

(استاد)

هرگز چنین نیست، ما در مطالب پیشین هم عرض کردیم، عرض کردیم که خدای متعال چطور با خوف و رجا انسان را مدیریت می کند، با فقر و غنا هم انسان را مدیریت می کند. روایت داریم بنده ای دارم، یک درهم کمتر از آنی که به او دادم، به او بدهم، طغیان می کند. بنده ای هم دارم، یک درهم بیشتر از آنچه که به او دادم، اگر بدهم، باز هم طغیان می کند. نه هر ثروتی نعمت است، نه هر فقری نعمت است. اتفاقاً قرآن می گوید که چه بسا ثروتی نعمت است و فرمود که اگر همه مردم کافر نمی شدند، «وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِيُؤْتِيَهُمْ سُقُفًا مِنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ ۲۲»، ما نردبان و سقف خانه کفار را از طلا و نقره قرار می دادیم. این نشانگر این است که نه ثروت علامت محبوبیت است و نه فقر علامت مغضوبیت، بسته به این است که این ثروت و فقر نعمت الهی باشد یا نعمت الهی باشد و این (مسئله) به این برمی گردد که من ببینم این ثروت و فقر دارد

من را می سازد یا دارد من را می سوزاند. اگر دارد من را می سوزاند نعمت است، اگر دارد من را می سازد نعمت است.

(مجری)

خیلی متشکرم، عزیزی هم گفتند که سلام خدمت شما و حاج آقا، دعا کنید زندگی ما سروسامان بگیرد که این دعا را شما بفرمایید.

(استاد)

اللَّهُمَّ آمین، خدا ان شاء الله در این پایان سال به همه مومنین و مومنات در این پایان سال شمسی و آغاز سال قمری چون در روایات داریم که ماه رمضان به یک معنا آغاز سال است، به همه ان شاء الله سروسامان بدهد و همه را در راه ولایت تقویت کند.

(مجری)

ان شاء الله، خیلی متشکرم از شما، ممنونم، قول بگیرم برای سال آینده و ان شاء الله که سال خوبی داشته باشید، پیشاپیش خدمت شما تبریک عرض می کنم.

## فهرست منابع

۱. سوره زمر، آیه ۶۲.
۲. سوره سجده، آیه ۷.
۳. منیة المرید؛ ج ۱، ص ۲۱۰.
۴. سوره انفال، آیه ۲۸.
۵. سوره بقره، آیه ۲۴۵.
۶. سوره عنکبوت، آیه ۶۲.
۷. سوره احزاب، آیه ۷۰.
۸. سوره نوح، آیه ۱۱.
۹. دعای ۷ صحیفه سجادیه.
۱۰. تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۲، ص ۴۱۰.
۱۱. مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.
۱۲. النوادر للراوندی: ص ۹۰، ح ۲۳.
۱۳. الکافی، جلد ۲، صفحه ۱۴۰.
۱۴. مکارم الأخلاق، ص ۴۶۳.
۱۵. سوره علق، آیه ۶.
۱۶. خطبه ۲۲۵ نهج البلاغه.
۱۷. بحار الأنوار: ۷۷/۶۷/۶.
۱۸. مفاتیح الجنان، صلوات شعبانیه.
۱۹. ثمرات الأعواد، ج ۱، ص ۲۲۳.
۲۰. مفاتیح الجنان، دعای ابو حمزه ثمالی.
۲۱. حکمت ۴۴۵ نهج البلاغه.
۲۲. سوره زخرف، آیه ۳۳.